تاملی بر نقش وسایل ارتباط جمعی در جامعه

طوریان، مهدی

در هزاره سوم که بنام موج سوم تحول ارتباطات نام گرفته،کارشناسان علوم تربیتی به این باور جمعی رسیده‏اند که شکوفایی فکری و اطلاعاتی جوامع بشری با دنیای پیرامون به مجموعه پلهای‏ ارتباطی مردم با فرهنگها و آداب و رسوم و دستاوردهای تکنولوژیکی بستگی دارد.بنابراین برای فعال‏ سازی ارکان یک نظام جمعی که مبتنی بر ارتباطات است نخست لازم است که بیش از هر عامل‏ دیگری،به راههای جدید از جهت پویایی هرچه بیشتر رسانه‏های جمعی کوشید و با روشهای علمی و نوین وحدت و استحکام آن را قوت بخشید.

بدون شک تمامی بخشهای یک رسانه که در عین سادگی بسیار پیچیده عمل می‏کنند با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ داشته و لذا یافتن راهکارهای انسجام بخش در این مقوله بسیار حائز اهمیت است.برخی از کارشناسان نیز رسانه‏ها را بعنوان پشتوانه‏های فرهنگی،اقتصادی،سیاسی و اجتماعی دانسته که‏ علاوه بر ترویج مسایل اعتقادی،ارزشی،علمی و...مخاطبان در بهینه سازی و به هنگام کردن هزینه‏ ها نقش ارزنده‏ای را ایفا می‏کنند.

پیدایش وسایل ارتباط جمعی

پیدایش وسایل ارتباط جمعی پیشرفته یکی از پدیده‏های‏ مهم است که حیات فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است.اهمیت رسانه‏های گروهی بیشتر از این نظر قابل تأمل‏ و بررسی است که با استفاده از عنصر اطلاعات و با پیام به صورت‏ امواج صوتی و تصویری و غیره با درهم نوردیدن مرزها و بر افکار و انسانها اثر نهاده و به کنش‏ها و رفتارهای فردی و اجتماعی جهت‏ می‏دهد.

بگواه تاریخ تنها وسیله ارتباط جمعی فراگیر تا اوایل قرن 19، صنعت چاپ بود تا اینکه از قرن نوزدهم با اختراعات جدید تحول‏ چشمگیری در وسایل ارتباط جمعی بوجود آمد و در قرن بیستم با اختراع بی‏سیم،تلویزیون،ویدئو و به دنبال آن کامپیوتر و ماهواره، انفجاری در این صنعت روی داد و وسایل ارتباط جمعی به بالاتری‏ میزان رشد خود رسید.به طور کلی در حال حاضر تنها چند ثانیه‏ کافی است که یک خبر در دورترین نقطه جهان پخش شود و کمتر کسی را می‏توان یافت که از آن مطلع نشود.با این همه ویژگی‏ می‏توان گفت که رسانه‏های ارتباط جمعی امروز،بر تمام ارکان‏ جامعه تأثیر گذار بوده و دارای بیشترین تأثیر فرهنگی از میان تمامی‏ ابزار و فنون جدید است.

نقش و کارکرد دوم تحول در رسانه‏ها جهش جوامع بسوی‏ آینده است و در پیداش عادت تازه و تکوین فرهنگ جهانی،تغییر در رفتار و خلق و خوی انسانها و از همه مهمتر در کوچکتر شدن‏ کره زمین سهم بسزایی داشته و جهان را به دهکده جهانی تنزل‏ داده است.کارکرد دیگر رسانه‏های ارتباط جمعی این است که با ویژگی خود توانسته‏اند به محرمانه‏ترین محیطهای بشری راه‏ پیدا کرده و به دلیل همین تأثیرگذاری شگرف عصر جدید را عصر ارتباطات نامیده‏اند.

جهان در تسخیر رسانه‏های پیشرفته و مدرن

دورترین نقاط جهان خاکی،آسمان،ماوراء طبیعت،اعماق‏ دریاها،فرسنگها زیر خاک و همه و همه امروز در تسخیر رسانه‏های‏ جمعی است و بدون شک جهان امروز نیز در اختیار دارندگان رسانه‏ های جمعی مدرن و پیشرفته و صدا بسته قوی است.رسانه‏های‏ امروز جامعه‏ها و اندیشه‏ها را به تسخیر در آورده و آنها را با معیارهای دلخواه خود تربیت و سازمان‏دهی می‏کنند و نمونه‏های‏ این تربیت و تفسیر ذهنی را در شیوه‏های علمی مبنی بر جامعه‏ شناسی و استکبار جهانی می‏بینیم.

تضاد کارکردی

بدلیل تأثیر گذاری خاصی که رسانه‏های جمعی بر افکار عمومی دارند برخی از آنان امروز از ماهیت اصلی کار خود دور افتاده و با القاعات فکری سعی در گمراهی افکار عمومی دارند، ساقط کردن جنبش‏های اسلامی،عدم انتشار (به‏صفحه تصویرمراجعه شود) دستاوردهای تکنولوژیکی کشورهای در حال‏ توسعه،تخریت مذاهب،سرپوش گذاشتن بر رعایت نکردن حقوق انسانی،انسانها در جوامع‏ از سوی برخی از سردمداران قدرت،بخشی از تضاد کارکردی است.

برخی از کارشناسان وسایل ارتباط جمعی امروز به این باور رسیده‏اند که زیانهایی‏ رسانه‏های گروهی گاه از زیانها و ضررهای‏ توپ،تانک و سلاح هسته‏ای بالاتر است چرا که زیان این آسیبها را پس از گذر چند دهه‏ می‏توان جبران کرد،اما آثار مخرب به جای‏ مانده از تبلیغات کذب و دروغ گاه تا قرنها بر بدنه فرهنگی یک کشور باقی می‏ماند و به‏ نسلهای آتی نیز منتقل می‏گردد.به این دلیل‏ است که می‏گویند ساختارهای جامعه را رسانه‏ های جمعی می‏سازند و به آن جهت سمت و سو می‏دهند تا آنجا که می‏توان گفت بشر در دنیای غرب میان تصاویر و حرف گم شده و از طریق رسانه‏ها برده تمدن شده و این رسانه‏ها است که راه و روش زندگی او را تعیین می‏کنند و او که از ایمان و احساس تهی‏ شده در فراسوی نابودی و اضحلال قرار می‏گیرد و این همان تضاد کارکردی رسانه‏های جمعی است.وسایل ارتباط جمعی گاه خلوتگاه‏ انسان را نیز بر هم می‏زند به گونه‏ای که ناخودآگاه وارد زندگی او شده و اگر چند روز این جدا افتادگی ایجاد شود،مضطرب شده و انسان خود را تنها و محروم می‏بیند.

تحول جدید

انسانها تحت تأثیر وسایل ارتباط جمعی وارد مرحله‏ جدیدی از زندگی اجتماعی می‏شوند و استفاده از وسایل ارتباط جمعی الکترونیکی،کار اجتماع را به یک نوع دهکده بزرگ تبدیل‏ کرده که افراد انسانی می‏توانند زندگی قبیله‏ای گذشته خود را به‏ نحوی دیگر در آن تجدید کنند.با توجه به این موضوع مشاهده می‏ شود که اکنون تحت تأثیر وسایل الکتریکی در راه ایجاد چنین‏ جامعه‏ای،طرز زندگی،نظام آموزشی،ادبیات،هنر و به طور کلی همه مظاهر فرهنگی انسان در حال دگرگونی است.رسانه‏ها بیشترین تأثیر را بر افراد می‏گذارند.آنها نه تنها میان خانواده و یا در گوشه عزلت بلکه میان دوستان و همسالان و حین آموزش در تمام‏ طول زندگی همراه ما هستند و دایما افراد کلیشه‏ای و متحدالشکل‏ توده تنها را هدایت می‏کنند و رفتار آنها را نظم می‏بخشند.

یک تعریف عجیب

مارشال مک‏لوهان نظریه عجیب و غریبی را ارئه می‏ دهد،در اثر کلاسیک او به نام(درک رسانه‏ها)این عبارت معروف‏ او که(رسانه خود پیام است)بسیار قابل تأمل بوده،چرا که وی‏ معتقد است تأثیرات تکنولوژی در سطح نظریات و فرضیات اتفاق‏ نمی‏افتد بلکه آنها نسبت بین حواس با الگوها و تصورات ذهنی ما را به طور مداوم و بدون هیچ‏گونه مقاومتی تغییر می‏دهند.بعبارت‏ دیگر مهمترین تأثیر رسانه‏های همگانی از نظر او این است که‏ عادات و تصورات خود تفکر ما را تحت تأثیر قرار می‏دهند.

رسانه‏های جامعه در قرن 20

ر فراگیر شدن رسانه‏ها و آغاز قرن بیستم و یکم و مسئلهء بحث انگیز در مورد نقش رسانه‏ها در شکل دادن به جهان امروز، به ضرورت دیدگاه تاریخی دقیقی در مورد رسانه‏ها و جامعه اشاره‏ دارد.در بحث رسانه‏ها و جامعه،سایر ابعاد تجربه‏ی انسانی، فایده‏ی مهم تاریخی همانا آگاهی یافتن از جایگزین‏ها(در نظر داشته باشید انتخاب‏هایی که در اثر فهم تاریخی بر روی ما گشوده‏ می‏شود،معمولا متنوع‏تر از آن چیزی است که با تأکید صرف‏ بر موفقیت کنونی،تصور آن را می‏کردیم)و افشای اسطوره‏ها است.افشای اعتقادات گمراه کننده و گاهی خطرناک مبتنی بر دیدگاه‏های تحریف شده‏ی گذشته و داشتن درکی روشن از هر آنچه در شرایط کنونی ما همیشگی با آگاهی بسیار محدود از دامنه‏ احتمالات برای ساختار،محتوا و تأثیر رسانه‏ها و ایده‏های قابل‏ تردید و نادرست درباره‏ی درس‏هایی از تاریخ رسانه‏ها و نیز این‏ گمانه‏ها که نحوه‏ی جنبش رسانه‏های امروزی تا حدی طبیعی و احتناب ناپذیر است،همراه بوده است.

در دو دهه گذشته،ادبیات بالنده پژوهشی،مبنایی‏ برای دیدگاه تاریخی معقولی درباره‏ی رسانه‏ها و جامعه فراهم‏ کرده است.درست است که مطابق یافته کوین ویلیامز در بررسی‏ اخیر خود درباره تاریخ ارتباطات عمومی انگلستان،(توسعه تاریخی‏ رسانه‏های همگانی و چگونگی تغییر اشکال و بازنمایی‏های رسانه‏ها در طول زمان به طور سنتی چندان در حجم فزاینده تحقیقات نوشتار و تأمل در مورد رسانه‏های همگانی و جامعه و فرهنگ مشاهده‏ نمی‏شود).با وجود این،اکنون پیکره‏ای غنی از تحقیقات در مورد ابعاد تاریخی رسانه‏ها-روزنامه‏ها،صنعت فیلم،رادیو،تلویزیون‏ و تبلیغات وجود دارد.

رسانه‏های جمعی و استقلال

وسایل ارتباط جمعی یکی از عواملی می‏باشند که‏ می‏توانند استقلال کشورها را تحت تأثیر قرار داده و باعث ایجاد تناقض‏هایی در جامعه گردند،در واقع تهدید استقلال کشورها از سوی ارتباطات الکترونیکی جدید می‏توانند از استعمار در گذشته‏ خطرناکتر باشد زیرا باعث تشدید تناقض‏های اجتماعی در جوامع‏ در حال توسعه امروزی باشند و اکنون جامعه‏ای یافت نمی‏شود که از تأثیر رسانه‏های همگانی بر کنار مانده باشد.آنچه که باعث‏ تأثیر گذاری رسانه‏ها بر جامعه انسانی می‏گردد ویژگی‏های رسانه‏ می‏باشد که عبارتند از:سرعت،مداومت،دسترسی،عمق و پایندگی،درگیری حواس،رسانه با این ویژگیها دارای کارکردهای‏ ذیل می‏باشند:

اجتماعی کردن،نظارت اجتماعی،اطلاع رسانی،پرکردن‏ اوقات فراغت و تفریح،مصاحبت،ساختن افکار عمومی،تبلیغات‏ سیاسی و اقتصادی،افزیش انتظارات،پیوند اجتماعی،آموزش.

با توجه به ویژگیها و کارکردهای رسانه رسالت آن به خوبی‏ آشکار می‏گردد.امروزه امپریالیسم به شکل قدیم وجود ندارد بلکه‏ با استفاده از رسانه‏ای ارتباط جمعی به شیوه دیگری سلطه خود را بر کشورهای آسیائی و آفریقایی گسترش داده است.امپریالیسم‏ رسانه‏ای می‏کوشد با استفاده از امکانات وسیع و پیشرفته‏ای‏ که در اختیار دارد هر روز با شیوه‏های مختلف خشونت،فاصله‏ اجتماعی،تخریب خانواده،انحراف جنسی،تحمل گرایی را در جامعه گسترش داده و باعث بزرگسالی زودرس،بزهکاری در نوجوانان شود.تولیدات رسانه‏ای غرب که در سطح بسیار گسترده‏ در کشورهای جهان سوم به نمایش در می‏آید عامل بسیار مهمی‏ در به انحراف کشیدن جامعه است اگر ذره‏ای توجه کنیم متوجه‏ خواهیم شد که رسانه‏های غربی با پخش فیلمهای مختلف اندیشه‏ غربی را به مردم ما القا می‏کنند و در پی از بین بردن حیثیت،شرف، هویت،کرامت،تهور،ایمان،غیرت،حجب و حیاء،اصالت و تمام ارزشهای انسانی و اسلامی ما می‏باشند.رسانه‏ها برای ما قهرمان سازی می‏نمایند کودکان ما در کشورهای اسلامی بجای‏ این که رزمندگان اسلام را الگوی مبارزه و شجاعت و جوانمردی‏ قرار دهند آرزو می‏کنند کاهش جای آنها بودند اکنون نوع آرایش و پوشش لبای و ادا و اطوارهای کارگردان‏های خارجی را در کوچه و خیابان‏ها در می‏آورند.رسانه‏های غربی می‏کوشند تا جوانان مبارز را از پشت سنگرهای مقاومت و مبارزه و جهاد علیه ابر قدرت‏ها به کنج دخمه‏های آلوده به مواد مخدر و مراکز فحشاء بکشانند. آمارهای غیر رسمی نشان می‏دهد که صادرات فیلمهای سینمائی، برنامه‏هایی مانند سندباد،زورو،ترمیناتور،تام و جری و...بسیار بالاست و با کمی دقت می‏بینیم که این صادرات بسیار حسابگرانه‏ و آگاهانه تنظیم شده‏اند که احساس خود کم‏بینی و تحقیر کودکان‏ و نوجوانان ما را به دنبال آورند.

صدا و سیما

صدا و سیمای جمهوری اسلامی رسالت بزرگی بر دوش‏ دارد،گویا این احساس خود کم‏بینی در صدا و سیمای ما هم‏ احساس می‏شود چرا که هر روز برنامه‏های آن رنگ و بوی غربی‏ بخود می‏گیرد و از فرهنگ اسلامی و ایرانی فاصله گرفته و آنچه را که به مخاطبات خود القا می‏کند فرهنگ بیگانه است.

منابع:

1-مبانی جامعه شناسی-تألیف دکتر رحمت‏اله صدیق

2-روانشناسی اجتماعی-نوشته دکتر علی محمد کاردان

3-جامعه شناسی نوین-دکتر ایروانی

4-کتاب ماه(علوم اجتماعی)-اسفند 81

5-نشریه جوان-آذر 1382

6-کتاب رسانه در قرن بیستم-ترجمه نفیسه حمیدی